

اهمیت مبارزه با نفس در عرفان و اسلام

یکی از مسائل مهم در مورد انسان کامل در مکتب عرفان، مسئله رابطه انسان با نفس خودش است. البته این مسئله در عین حال یک مسئله اسلامی هم هست...



یکی از مسائل مهم در مورد انسان کامل در مکتب عرفان، مسئله رابطه انسان با نفس خودش است. البته این مسئله در عین حال یک مسئله اسلامی هم هست، یعنی ما هم در زبان عرفا و اهل تصوف، و هم در تعلیمات عالییه اسلامی مسئله مبارزه با خودخواهی و خودپرستی و پیروی از هوای نفس را می بینیم و بلکه این تعبیر "هم در آنجا و هم در اینجا" تا اندازه ای تعبیر نادرستی است، برای اینکه عرفای اسلامی در این مسائل از خود اسلام الهام گرفته اند و همه تعبیرات، تعبیرات اسلامی است. در آنچه که تزکیه نفس نامیده می شود، با "خود" که در عربی به آن "نفس" گفته می شود مبارزه می شود، می گویند: "جهاد با نفس". حتی "نفس" به عنوان یک دشمن درونی برای انسان تلقی می شود، چنانکه سعدی می گوید:

تو با دشمن نفس هم خانه ای *** چه در بند پیکار بیگانه ای

این تعبیر اقتباس از کلام مقدس نبوی است که فرمود: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک» "خطرناکترین دشمنان تو همان نفس خودت است که در میان دو پهلویت قرار گرفته است. سعدی در گلستان می گوید: از عارفی معنی این حدیث را پرسیدند که چرا پیغمبر فرمود: «اعدی عدوک نفسک»؛ نفس خودت از همه دشمنها با تو دشمنتر و از همه نسبت به تو خطرناکتر است؟ آن مرد عارف اینطور جواب داد: برای اینکه اگر تو به هر دشمنی نیکی کنی و آنچه می خواهد به او بدهی با تو دوست گردد، الا نفس که هرچه بیشتر خواسته هایش را به او بدهی با تو دشمن تر می گردد. پس به چشم یک دشمن به نفس نگاه کرده اند و این نفس همان "خود" است، می گوئیم: "نفس پرستی" یا "خودپرستی".